

ردیف	نمره
۱	منظور از قاعده ی اولیه و ثانویه چیست؟ موضع هر یک از مسلک ها در این دو چه اصلی است؟
۲	یکی از دلایل مرحوم نائینی بر مسلک قبح عقاب را بیان کنید به همراه نقد
۳	آیه ی (ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا) چگونه بر برائت دلالت دارد؟ نقد کنید.
۴	منظور از رفع در حدیث رفع چه نوع رفعی است؟ توضیح دهید چرا؟
۵	روایت (ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنه) چگونه بر برائت دلالت دارد؟ یک اشکال برای آن بنویسید.
۶	با اصل استصحاب چگونه برائت ثابت می شود؟ هر دو مورد
۷	از اعتراضات بر برائت یک مورد را بنویسید و آن را جواب دهید.
۸	بنا بر نظر شهید هنگام معارضه ی ادله برائت با احتیاط چه اتفاقی می افتد؟ چرا؟
۹	برائت در تکالیف غیر الزامی جاری می شود؟ چرا؟ توضیح دهید.
۱۰	از مفاد دلیل برائت شرطیت فحص را به همراه نقد و جواب آن، توضیح دهید

تکالیف مسلک نمی شود که پس اهل بیت در محل نزاع است و نیاز به اثبات دارد.

دلائل دارد بر
عدم عقاب تا زمان بعثت رسول . رسول معذوق بیان حکم و تکلیف است

رسول دلائل دارد بر عدم عقاب قبل بعثت بیان . یعنی بر اثبات شرعی (عقوبت احتیاطی در تکالیف مسلک)

نقد : رسول معذوق صدور بیان از طرف فداوات نه وصول بیان به مردم

در حکم رسول معذوق مواردی که تکلیف از طرف فداوات رسیده ولی به فرد

نرسیده نمی شود . در حالی که در اثبات شرعی وصول بیان مد نظر است زیرا در تکالیف مسلک این احتمال وجود دارد که حکم شرعی صادر شود با علم و وحی به غیر مردم و نیز از ابرامت ثابت نمی شود.

رفع ظاهری تکلیف مجهول دند رفع واقعی آن / ^{حقیقی} رفع ظاهری تکلیف

به معنای عدم وجوب احتیاط در تکالیف مستلزمات عروج حقیقی

به معنای تقدس اطلاق ادله احکام واقعی الزامی به حالت علم به آن نیست

که در هر دو بر اثبات شرعی ثابت می شود ولی حالت حرم را حدیبی رفع سائل

نیست زیرا بابت احتیاط حکم شرعی به عالم به آن ^{واقعی الزامی} و افزودن علم به حکم

در مباح حکم برده که محال است . عداوت نقد کرده و می گویند افزودن علم به

جمله در مباح مجهول صحیح است ولی در جواب می گویم چنانچه ^د ~~فقط~~ ^د ~~فقط~~

آنچه به آن علم ندریم (مجهول) همان جعل است که مغایر است با آنچه زهی گوید
که همان جعل است ولی طبق ظاهر حدیث آنچه به آن علم ندریم همان
صغری است که زهی گوید و گفته شما با ظاهر حدیث مغایر است

⑤ ما عجب الله به معنای تکالیف متکلف است (و فاعله بیخمان کردن از بندگانش)

آنچه از فردی دفع می شود یعنی زهی گوید لذا بنا به تقدیر لال حدیث دفع
عدم موجب احتیاط در تکالیف متکلف است (برائت شرعی) ثابت می شود
نقد: عجب به الله نسبت داده شده لذا شامل تکالیفی نیست که

فداوند همانند کرده و شامل تکالیفی که به علت جهالت به فرد نرسیده می شود.
جواب: اگر الله را به عنوان شارع در نظر بگیریم صحیح است ولی این مقید برین دلیل می خواهد که بنابریم
⑥ بیان ۱) سگ لاحق = حرمت برادر محمد (ص) و سایر اهل بیت است که در حدیث آمده *

یقین سابق: عدم جعل حرمت زانیات در صدر اسلام زیرا

احکام به صورت تدریجی صادر می شدند ← الله صاب عدم جعل حرمت زانیات
بیان ۲) سگ لاحق، حرمت زانیات

یقین سابق: عدم ثبت حرمت زانیات قبل از بلوغ

← الله صاب عدم ثبت حرمت زانیات

* در دست ادست در نظر بگیریم) شامل همه نوع حجاب می شود

۷) اعتراض ۱) ادله برائت - تحقق شک بعدی حسنة

و در ملاحظه تکالیف در ملاحظه تکالیف

شک مقرون به علم اجمالی دارد - لذا برائت جاری نمی شود

جواب: فقه بهر آنکه در حکم صریح از تکالیف می رسد که به آنها قلع
که تعداد آنها کمتر از تعداد تکالیف نیست که به آنها علم اجمالی باشد
دارد و علم اجمالی از مفصل می رسد به علم تفصیلی به آنها و شک بعدی بجز

از بعضی که بواسطه این شک برائت جاری می شود

۸) تعارضی اتفاق نمی افتد زیرا اوله احوط حکمی قابل مناقشه بوده و ادله

برائت بدون تعارض باقی می مانند علی اگر حکم تعارضی رخ می دهد اوله

برائت مرجع اند زیرا ادله برائت قرآنی و ادله در باب احوط ضمیمه است

و در تعارض آنها دلیل قطعی مقدم است - ادله برائت تحقق شک بعدی است

و ادله در باب احوط و اطمینان در شک مقرون به علم اجمالی می رسد لذا در تعارض

بین خاص عام خاص مقدم می رسد از کفنی اگر یک دلیل عام (استصحاب عمده کفنی)

محققی (ادله در باب احوط) دارای معارض ادله برائت) داشته و آنها

Papco

در تعارض تساقط حسنة به دلیل عام (استصحاب عمده کفنی) مراجعه می شود

⑨ خیر - زیرا اطمینان برائت قصور دارند از شمول تکالیف غیر الزامی

زیرا بعضی از این اطمینان از عقاب مفرح است پس لذا شامل تکالیف

غیر الزامی که در آنها عقاب وجود ندارد و تا مابین از عقاب بی تفاوت

نمی شود. و در سایر اطمینان هم که مثل حدیث رفع مطلق آمده و تا مابین عقاب

مفرح نشده باز هم شامل تکالیف غیر الزامی نمی شود زیرا هدف از برائت

در تکالیف غیر الزامی است که با اطمینان اجازه ترک است که

در مورد موجود و تحصیل حاصل و بی فایده است و یا

اثبات عدم برهان احتیاط است که باطل می باشد و احتیاط در هر حالی

رجحان دارد.

شرط برائت نقص و غیر برهان دلیل تکلیف است
⑩ دلیل برائت شامل تکالیف بعد از نقص می شود نه تکالیف قبل از نقص

و به مجرد تکالیف اجرائی برائت جایز نیست هر چند بعضی از ادله

برائت مثل حدیث رفع مطلق آمده و شامل تکالیف بعدی قبل و بعد از نقص

است پس به دلیل از اطلاق آنها صرف نظری می شود.

۱۱ سایر امله برائت آن ها را قیدی زنند مانند دلیل و ما لنا مخدبین

حتی نبی رسولا . غایت برائت = بقیت رسول و بیانی است که در حدیث

فحص امکان ~~وصول~~ آن وجود داشته باشد نه بیانی که بالنقل وصول اتفاق

اختاره بالله لذا شرف برائت عدم امکان وصول بیان تکلیف است .

در حالی که ~~تکالیف~~ ^{قبل از تحقق} تکالیف مستلک امکان وصول بیان در مورد ندارد

من سب ~~بعد~~ قبل از تحقق از شامل نمی شود ^{در بیان تکلیف} فقیه بعد از فحص و عدم ~~تکلیف~~

برائت جاری می شود . همین عمر در دلیل امکان الله لیفضل قدیم حتی پس ^{به لغت}

در اینجا از نسبت پس به لغت می فهمیم که غایت برائت بیانی حدت در

دلیل و صورت فحص امکان وصول به قسم وجود داشته باشد نه بیانی که بالنقل وصول اتفاق

اختاره بالله .

۱۲ ~~فقیه~~ قبل از فحص سب مشهور به علم اجمالی دارد ولی حدیث رفع که

دلیل بر سب باری دارد سب مشهور به علم اجمالی را شامل نمی شود و فقیه بعد از فحص

و انقضاء علم اجمالی به علم تفصیلی ^{تکالیف} بعدی بر باز ~~تکالیف~~ ^{تکالیف} جاری می شود

به تکالیفی که تعدادش کمتر از تعداد تکالیفی که علم اجمالی را شامل می شود

در قیامت می پرسند چرا یاد نگرفتی؟

۳) ادله در جواب توکل این ادله را عقیدتی زنده و صادق قبل از خفگی در توکل عذر سستی

توکل نمی شود